

وند ها (بسوند ، پیشوند ، میانوند)

- پیشوند تکواژ وابسته ایست که به آغاز واژه ای می چسبد و معنای واژه را می ورداند.
۱. /آ/ان: این پیشوند برای نفی بکار می رود و هم‌ریشه و هم معنی a/an/ab می باشد. مانند: آوردن، انیران، امرداد، اریخت.
۱۰. ابر: این پیشوند برای بیان بزرگنمایی بکار می رود و هم ارز super در زبان انگلیسی است. مانند: ابرمرد، ابرسانا، ابرپیچند.
۲. ابی: این پیشوند دیسه دیگر «بی» می باشد که از زبان اوستایی گرفته شده است و کاربردی مانند «بی» دارد. مانند: ابیراهی.
۳. اندر: دیسه ای دیگر از «در» است که هم ارز inter در زبان انگلیسی است و به معنی درون، میان یا میان دو چیز می باشد. مانند: اندرکنش، اندرهلیدن، اندرخورد، اندرشدن، اندراختریک، اندرابریک، اندراتمیک.
۴. ب: (۱) کاربرد این پیشوند در رساندن مفهوم دارندگی چیزی است و دیسه کوتاه شده «با» است. مانند: بخرد.
۵. ب: (۲) کاربرد دیگر این پیشوند در رساندن تاکید است که با فعل همراه می شود. مانند: برفت، بشد.
۶. با: کاربرد این پیشوند در رساندن مفهوم دارندگی چیزی است. مانند: باخرد، با آرم.
۷. باز: این پیشوند معنی دوباره می دهد. مانند: بازآمدن، بازگفتن.
۸. بر: کاربرد این پیشوند بیشتر همراه فعل است و معنی بیرون، فرا، بالا و یا تاکید می دهد. مانند: برآمدن (طلوع کردن)، برسیدن، برکندن.
۸. بس: این پیشوند معنی بسیار و چندین می دهد. مانند: بسپار، بسپارش.
۹. بی: کاربرد این پیشوند در رساندن مفهوم نادرندگی چیزی است. مانند: بی مانند، بی خرد.
۱۰. بیش: این پیشوند معنی زیاد می دهد و هم ارز hyper در زبان انگلیسی است. مانند: بیش دمی، بیش رویش.
۱۱. پ: این پیشوند غالبا معنی ضد می دهد. مانند: پیراستن، پالودن.
۱۲. پاد/پت: این پیشوند معنی ضد می دهد و هم ارز anti در زبان انگلیسی است. مانند: پادزهر، پادساعتگرد، پادگردشگری، پادتن، پادگویی، پتیاره.

۱۳. پرا(پارا): این پیشوند از زبان اوستایی گرفته شده و هم ارز para در زبان انگلیسی است. مانند: پراهور، پراسو، پارامغناطیس، پراسه.
۱۴. پس: این پیشوند به معنی عقب (عقبتر از چیزی)؛ بعد (بعد از چیزی) است. مانند: پسرفت، پس بر؛ پسماند، پساویز، پس چهر.
۱۵. پسا: این پیشوند به معنی بعد (بعد از چیزی) است و هم ارز post در زبان انگلیسی است. مانند: پسانوگرایی، پسانوین.
۱۶. پی: این پیشوند به معنی پس (پس از چیزی)؛ بعد (بعد از چیزی) است. مانند: پیامد، پیجو، پیاینده.
۱۷. پیرا/پرا: این پیشوند به معنی پیرامون (پیرامون چیزی) است که از زبان اوستایی گرفته شده است و هم ارز peri در زبان انگلیسی است. مانند: پیراپزشکی، پیرادندان، پرستیدن، پراکندن، پرناوش، پرگشتن، پیراپزشکی، پیرایین، پیراشامه.
۱۸. پیش: این پیشوند به معنی جلو (جلو از چیزی)؛ قبل (قبل از چیزی) است. مانند: پیشرفت، پیشبرد؛ پیش نمایش، پیشامد.
۱۹. ترا: این پیشوند که غالباً به معنی ورا (ورای چیزی) است و از زبان اوستایی گرفته شده است هم ارز trans در زبان انگلیسی است. مانند: ترابری، تراگیلش، ترافرستادن، ترانهش، تراکنش، ترافرازنده.
۲۰. تک: این پیشوند به معنی یک، تنها است و هم ارز uni و mono است. مانند: تک نگاری، تکپار.
۲۱. در: این پیشوند به معنی درون، میان یا گاهی بیرون می باشد. مانند: درآمدن، درکنش، درماندن، درشمیدن، درکشیدن.
۲۲. دژ: این پیشوند به معنی بد، با شیوه بد و یا ناجور بکار بردن می باشد. مانند: دژخیم، دژآگاه، دژدود.
۲۳. دش: دیسه ای دیگر از دژ می باشد و هم ارز dys در زبان انگلیسی است. مانند: دش دمی، دش زایی، دش آهنگی، دش میزی، دش اوباری، دش گواری.
۲۴. سر: این پیشوند غالباً همراه با فعل بکار می رود. مانند: سرآمدن، سررفتن، سرریز.
۲۵. فر: این پیشوند در رساندن مفهوم تکامل، کمال و والایی بکار می رود. مانند: فرنشین (رئیس)، فرگشتن (تکامل یافتن)، فرآوری، فرآیند.
۲۶. فرا: این پیشوند به معنی والا و بالا بکار می رود. مانند: فراتاب، فرارفتن، فرابری، فرابنفش.

۲۷. فرو: این پیشوند به معنی فرود و زیر بکار می رود. مانند: فرورفتن، فروبنفش.
۲۸. نا: این پیشوند منفی ساز است. مانند: ناجوانمرد، ناخردمند، نارس.
۲۸. ن: این پیشوند معنی "به سوی" و "پایین" می دهد است. مانند: نگریستن، نشستن، نپاهش، نپاهیدن.
۲۹. وا: این پیشوند غالبا همراه با فعل بکار می رود. مانند: وارفتن، واماندن، واپاشی، واکنش.
۳۰. ور: این پیشوند گاهی به معنی بالا بکار می رود و کلا معایی متعددی دارد. مانند: وررفتن، ورآمدن، ورکشیدن.
۳۱. هم: این پیشوند هم ارز homo در زبان انگلیسی است. مانند: همبست، همراه.
۳۲. هو: این پیشوند به معنی خوب و نیک می باشد که از زبان اوستایی گرفته شده است که هم ارز Eu در زبان انگلیسی است. مانند: هونهنگ، هوپرورد، هوگواری، هوهسته، هومرگ.
- پسوند

- پسوند تکواژ وابسته ایست که به پایان واژه ای می چسبد و معنای واژه را می ورداند.
۱. آسا: پسوند چگونگی و مانندگی می باشد. مانند: نهنگ آسا، شیرآسا، اهریمن آسا.
۲. آگین (گین): پسوند دارندگی و اتصال می باشد. مانند: برف آگین، زهرآگین، خشمگین.
۳. او: پسوند تصغیر و تحقیر است. مانند: یارو، شکمو، دخترو.
۳. اومند: پسوند دارندگی است. مانند: تنومند، برومند، هستومند.
۴. اور: پسوند دارندگی است. مانند: گنجور، مزدور، نمود.
۱۵. (۱) این پسوند به بن مضارع می چسبد و صفت فاعلی مطلق می سازد. مانند: بینا، شنوا، روا.
۱۶. (۲) این پسوند الف ندایی است و برای خطاب قراردادن کسی بکار می رود.. مانند: خداوندا، پروردگارا.
۱۷. (۴) این پسوند از مشخصه ای صفت می سازد و صورتی دیگر از «نا» است. مانند: ژرفا، گرما، دازا، بلندا، پهنا.

۱۸. این پسوند به بن مضارع می چسبد گاهی به معنی انجمنی است که فعلی را انجام می دهند و گاهی به معنی اسم مکان است. مانند: نویساد(هیئت تحریریه)، سگالاد؛ کناد، هماد(انجمن)، چکاد.
۱۹. این پسوند به بن مضارع می چسبد و اسم افزار می سازد. مانند: سنباده(از سنبدن).
۱۰. ار: (۱) این پسوند به بن ماضی می چسبد و صفت فاعلی می سازد. مانند: برخوردار، گرفتار، مردار، نوشتار.
۱۱. ار: (۲) این پسوند به بن ماضی می چسبد و اسم مصدر می سازد. مانند: گفتار، رفتار، شنیدار.
۱۲. اک: این پسوند به بن مضارع می چسبد و به معنی «آنچه کنند» می باشد. مانند: خوراک، پوشاک، کاواک.
۱۳. ال: این پسوند اسم افزار می سازد. مانند: چنگال، پیچال، گودال، پیخال و واژگان نوساخته تختال (slab)، پیچال (labyrinth)، برخال (fractal)، نگارال. (graftal)
۱۴. اله: این پسوند اسم می سازد. مانند: تقاله، پیچاله.
۱۵. ام: کاربرد این پسوند در اعداد است. مانند: یکم، دوم، سوم.
۱۶. ان: (۱) این پسوند به بن مضارع چسبیده و صفت فاعلی می سازد. مانند: روان، گریان، سوزان.
۱۷. ان: (۲) این پسوند به بن مضارع چسبیده و از فعل قید می سازد. مانند: دوان دوان، جهان، کشان.
۱۸. انه: (۱) این پسوند از اسم قید می سازد. مانند: دانشمندان، پیامبرانه.
۱۹. انه: (۲) این پسوند از اسم صفت می سازد. مانند: مردانه، زنانه.
۲۰. ایک: این پسوند دیسه کهن تر از پسوند «ای» است که جدیداً بدست فرهنگستان زیانده شده است. مانند: روان شناسیک، زمین شناسیک، تاریک، نزدیک، باریک، پاریک.
۲۱. این: پسوند دارندگی و اتصال است. مانند: زرین، سیمین.
۲۲. اینه: این پسوند اسم ساز است. مانند: خاگینه، زرینه، سیمینه، آردینه(حلوا).
۲۳. باز: این پسوند از اسم صفت مبالغه می سازد. مانند: قهارباز، آتشباز.
۲۴. بان: این پسوند صفت فاعلی که دلالت بر نگاهبانی و حفاظت می کند، می سازد. مانند: راهبان، پاسبان، دژبان.

- ۲۵ بد(پد): این پسوند بر دارندگی و اتصال دلالت دارد. مانند: سپهبد، ارتشبد.
- ۲۶ تر: این پسوند صفت تفضیلی می سازد. مانند: خوبتر، بدتر.
- ۲۷ ترین: این پسوند صفت مطلق (بهترینگی) می سازد. مانند: خوبترین، بدترین.
- ۲۸ چه(ژه): پسوند تصغیر است. مانند: موچه، موژه، نایژه.
- ۲۹ دان: پسوند مکان ساز است. مانند: نمکدان، شکردان.
- ۳۰ دیس: پسوند ماندگی است. مانند: ناودیس، تاقدیس، تندیس، سردیس، خاجدیس، دلدیس، بادام دیس.
- ۳۱ زار: این پسوند اسم مکان می سازد. مانند: لاله زار، سبزه زار.
- ۳۲ سار: پسوند مکان ساز است. مانند: یخسار، کوهسار، دیوسار.
- ۳۳ سان: پسوند ماندگی، چگونگی است. مانند: دیوسان، شیرسان.
- ۳۴ ستان: پسوند مکان ساز است. مانند: باغستان، گلستان، بوستان.
- ۳۵ سرا: پسوند مکان ساز است. مانند: میان سرا، کاروان سرا، آهنگسرا، فرهنگسرا.
- ۳۶ سیر: پسوند مکان ساز است. مانند: گرمسیر، سردسیر.
- ۳۷ ش: این پسوند به بن مضارع می چسبد و اسم مصدر می سازد. مانند: روش، آموزش.
- ۳۸ فام: این پسوند به آلودگی و رزیدگی بر چیزی دلالت می کند. مانند: زرفام، زرینه فام.
- ۳۹ ک: پسوند تصغیر یا تحقیر است. مانند: مردک، زنک، روباهک.
- ۴۰ کار: این پسوند از اسم صفت فاعلی می سازد. مانند: چوبکار، آهنکار.
- ۴۱ کده: این پسوند اسم مکان می سازد. مانند: دانشکده، پژوهشکده.
- ۴۲ گار: این پسوند به بن مضارع می چسبد و صفت مبالغه می سازد. مانند: آموزگار، پروردگار، فریفتگار.
- ۴۳ گان: این پسوند اسم مجموعه از چیزی می سازد. مانند: اندامگان (مجموعه اندام ها)، حسابگان، افزارگان.
- ۴۴ گاه: این پسوند اسم مکان می سازد و غالباً به بن مضارع افزوده به «ش» مصدر ساز می پیوندد. مانند: دانشکده، پژوهشکده.
- ۴۵ گر: این پسوند از اسم صفت فاعلی می سازد. مانند: پژوهشگر، رفتگر.
- ۴۶ گری: این پسوند اسم مصدر از شغلی می سازد. مانند: رفتگری، ریخته گری.
- ۴۷ گون: این پسوند بر چگونگی و ماندگی دلالت دارد. مانند: مهگون، پری گون، لاله گون.

۴۸. لاخ: این پسوند اسم مکان می سازد و بر دارندگی فراوان یک چیز در مکانی دلالت دارد. مانند: سنگلاخ، دیولاخ.

۴۹. مان: این پسوند غالباً به بن مضارع یا بن ماضی چسبیده و اسم مصدر می سازد. مانند: پرسمان، گفتمان، گزیدمان (انتخابات)، گماشتمان (انتصابات).

۵۰. مند (اومند): پسوند دارندگی است. مانند: دانشمند، بهرمند، فرهمند.

۵۱. نا: این پسوند از مشخصه ای صفت می سازد و صورتی دیگر از «نا» است. مانند: فراخنا، تنگنا، دازنا.

۵۲. ناک: این پسوند به آلودگی، دارندگی یا فراوانی بر چیزی دلالت می کند. مانند: فراخناک، چسبناک، نمناک.

۵۳. ند: این پسوند به بن مضارع چسبیده و اسم مصدر می سازد. مانند: روند، پیچند، مانند.

۵۴. نده: این پسوند به بن مضارع می چسبد و صفت فاعلی می سازد. مانند: بیننده، گواژنده (طعنه زننده).

۵۵. وار: (۱) این پسوند از اسم قید می سازد. مانند: دیوانه وار، فرشته وار.

۵۶. وار: (۲) این پسوند از اسم صفت فاعلی می سازد. مانند: بزرگوار، سترگوار، سوگوار.

۵۷. واره: این پسوند اسم انجمن یا همداد از کاری می سازد. مانند: جشنواره، سوگواره،

اشکواره. این پسوند برای ساختن "نام" هایی بکار میرود که همانندی با یک چیز/کار (نام) دیگر را برساند ولی در ترازوی کوچکتر و پایین تر از آن است، بدان میماند و به چم آن وابسته است ولی برآستی خود آن نیست مانند:

ماه - ماهواره که بجای "قمر مصنوعی" که پیشتر میگفتند درست شد. سنگ - سنگواره که بجای فوسیل بیشتر بکار میرود جشن - جشنواره که به چم فستیوال بکار میرود گوش - گوشواره

۵۸. واری: این پسوند اسم مصدر می سازد. مانند: سوگواری، اشکواری.

۵۹. ور: این پسوند صفت فاعلی می سازد. مانند: دانشور، راهور، کنشور، پاسور (پلیس).

۶۰. وش: این پسوند بر چگونگی و ماندگی دلالت دارد. مانند: مهوش، پری وش، فرشته وش.

۶۱. وند: این پسوند بر چگونگی و ماندگی و گاهی دارندگی دلالت دارد. مانند: شهروند، دیووند.

۶۲ هـ: (۱) این پسوند به بن مضارع می چسبد و اسم افزار می سازد. مانند: استره (از استردن)، ماله، رنده (از رندیدن)، تراشه.

۶۳ هـ: (۲) این پسوند به بن مضارع می چسبد و اسم مصدر می سازد. مانند: خنده، مویه، گریه، آموزه.

۶۴ ی: (۱) این پسوند به اسم می چسبد و صفت ساز است. مانند: سنگی، هندی، سیگاری، شطرنجی

۶۵ ی: (۲) این پسوند به اسم و صفت می چسبد و اسم ساز است. مانند: برادری، بزرگی، شیرینی، بیگانگی، عکاسی

۶۶ ی: (۳) این پسوند بیشتر در زبان عامیانه به قید می چسبد و قید ساز است مانند: صبحی (در جمله ی: امروز صبحی دیدمش).

میانوند

میانوند تکواژ وابسته ایست که در میان دو واژه می آید و واژه نوی می سازد.

۱/آ۱: مانند: سراسر، گرداگرد، دمام، پایاپای، پیایی.